

شارل گنبر

عیسا

جلد دوم

ترجمه و توضیحات و پیوست‌ها :

اصغر دستگار



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس: ۱۳۵۲

www.duqagen.com mod.duqagen@duqagen.com

از این گفتار عده ای که از این کتاب ...  
مرگ و عید ...  
نوشته ...  
و از این ...  
این ...  
و چون ...  
قرن چهارم ...  
علاوه ...

### فصل هفدهم

### استقرار «ملکوت»

ملکوت ...  
است ...  
پس از واقعه ...  
تبدیل عیسی ...  
به این پرسش که «ملکوت چطور ظهور می کند؟» انجیل های کنونی فقط یک پاسخ داده اند که در باب ۱۳ «مارکوس» و روایات «همانند» آش در دو انجیل «همانند» آمده است. متأسفانه، گفتارهای این سه انجیل، در این مورد، انشایی چنان ساختگی دارند که با هیچ توجیهی نمی توان آن‌ها را به عیسا نسبت داد. گفتارهای باب ۱۳ «مارکوس» چنان تدوین شده که گویی درآمدی ست برای شرح «مصائب مسیح». او با نقل این گفتارها بیشتر خواسته است بر اهمیت فرجام کار عیسا تأکید کند و با شرح آمادگی او برای مرگ، انکار خواسته است از دهشت واقعه بکاهد، یا خونسردانه بنویسد، و خلاصه، گفتارها را با گوشه‌ی چشمی به «پاروسیا» [= ظهور عیسا پس از مرگ] نقل کرده است.

با اطمینان نمی توان گفت منبع مؤلف «مارکوس» در نگارش روایت «ظهور ملکوت»، یک منبع مسیحی بوده است چون کتب و منابع متعددی در باب آمدن «روز بزرگ» سخن گفته بودند، و همه هم بر اساس اعتقادات و روایات قوم یهود؛ حال آن که «مارکوس»،

برخلاف تمام منابع و روایات یهود، آمدن «خداوند» را به جرقه زدن ناگهانی «آذرخش»، که نه روزآش معلوم است و نه ساعت‌آش، تشبیه کرده است. روایتی که «مارکوس»<sup>(۱)</sup> در آیات ۱۳،۵ - ۱۳،۲۷ در باب «ظهور ملکوت» آورده، خصلتاً یک روایت یهودی ست. به همین دلیل، با آن که گفتار عیسا در این روایت آشکارا جعلی و فاقد اصالت است،<sup>۱</sup> نویسنده گفتاری در دهان عیسا نهاده است که ظاهراً اصیل و باورپذیر می‌نماید. یعنی، هر یهودی دیگری، با ادعاهای عیسا، انتظار داشت قدرت الهی ظهور کند و عالم را زیر و زبر کند و «مسیح» را، شوکت‌مند و پرشکوه، با ابرهای آسمان بازگرداند.<sup>۲</sup>

تجزیه و تحلیل این گفتار جعلی، و کنکاش در این که سنت انجیلی کدام عناصر از بیانات عیسا را اصیل و کدام عناصر را غیراصیل و الحاقی شناخته، دستاورد ارزشمندی نصیب ما نمی‌کند. ما بعداً به نقشی که گویا عیسا در این نمایش بزرگ برای خود قائل بوده خواهیم پرداخت.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد عیسا از دادن پاسخ مشخص به این سؤال که «ملکوت» کی ظهور می‌کند ظفره می‌رفته است. او هم، مثل مکاشفه‌نامه‌نویسان، از دادن اطلاعات دقیق شانه خالی می‌کند. ولی این نکته روشن است که او ظهور «ملکوت» را قریب‌الوقوع می‌دانسته و موعظه‌های خود را با اعلام همین نکته آغاز کرده است (نگاه کنید به «مارکوس» ۱،۱۴ - ۱،۱۵).<sup>(۲)</sup> با وجود این، در انجیل‌ها چندین روایت می‌توان یافت که به نظر می‌رسد حدی برای «دوران انتظار» پیروان عیسا قائل شده است. نخستین این روایات، «مارکوس» ۹،۱ است:<sup>(۳)</sup>

و با ایشان گفت: «هرآینه با شما بگویم: این‌جا «کسانی» حاضر آند که طعم مرگ نچشند مگر آن که ببینند ملکوت خدا با قدرت می‌آید.»

لووازی Loisy معتقد است واژه‌ی «کسانی» از اصلاحات ناشی از تأخیر در ظهور «ملکوت» بوده و بعدها به آیه اضافه شده، و اصل آیه چنین بوده است:

«تمام کسانی که این‌جا حاضر آند» طعم مرگ نچشند مگر آن که ببینند ملکوت خدا با قدرت می‌آید.

<sup>۱</sup> CXC, 378 ff. و CLXV, 219 ff. شرحی مخالف این نظر مخالف آورده آند.

<sup>۲</sup> CIII, i, 237.

<sup>۳</sup> Cf. p. 481 f.

<sup>۴</sup> نیز نگاه کنید به «متا» ۱۶،۲۸ و «لوکاس» ۹،۲۷.

از این گذشته، عده‌یی بر این عقیده آند که اصلاً «لوگیون» logion [= سخنان عیسا] بعد از مرگ عیسا، و به منظور دل‌داری دادن به پیروان او و تقویت روحیه‌ی «منتظران ظهور» نوشته شده است. اما پذیرفتن این قول که آیه‌ی فوق ریشه در خاطرات حواریان نداشته، و از ایمان پیروان «مسیح مصلوب» سرچشمه گرفته، برای من دشوار است.

این آیه از کجا سرچشمه گرفته نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که علمای الاهیات را سخت به زحمت انداخته چون مصرانه بر این باور بوده آند که این گفته از آن عیسا ست. «پدران» قرن چهارم م. پاسخ مسئله را در روایت «تبدیل هیئت» یافته آند. ولی حتا سنت‌گراترین علمای امروز هم جرئت نکرده آند این نظر را بپذیرند، منتها خودشان هم پاسخ معقولی برای مسئله ارائه نکرده آند. مثلاً گفته آند: «احتمالاً منظور از این پیشگویی [= ظهور «ملکوت» در زمان حیات «حاضران»]، سقوط اورشلیم [= ویرانی اورشلیم و معبد یهوه در سال ۷۰ میلادی توسط رومیان] بوده است چون پس از واقعه‌ی «تبدیل هیئت»، ملکوت از قید وابستگی به یک ملت [= یهود] خلاص شده و مشرکان را نیز در بر گرفته است.»<sup>۱</sup> البته می‌توان در اصالت روایت «تبدیل هیئت» شک کرد، اما اگر اصالت‌آش را پذیرفتیم، این را هم باید بپذیریم که معنای آن به هیچ وجه گنگ و مبهم نیست.

در مورد آیه‌ی ۱۳،۳۰ «مارکوس» نیز همین را باید گفت:<sup>(۴)</sup>

هرآینه با شما بگویم، تا این وقایع روی ندهد، «نسل کنونی»

ἡ γενεὰ αὐτῆ [hē genea hautē]

منقرض نشود.

این که بگویم<sup>۳</sup> این آیه هم به «سقوط اورشلیم» اشاره دارد و یک «پیشگویی بعد از وقوع واقعه [= پسگویی]» است و ربطی به «ظهور مسیح مصلوب» ندارد، ما را به جایی نمی‌رساند. عده‌یی از مفسران، که به هیچ قیمتی حاضر نیستند قبول کنند که عیسا پیشگویی نادرست کرده باشد، دوباره به این نظریه متوسل شده آند که انجیل‌نویسان سخن عیسا را درست منتقل نکرده آند. عده‌یی دیگر گفته آند [ἡ γενεὰ αὐτῆ] [= «نسل کنونی»] یعنی: «یهودیان». عده‌یی هم گفته آند یعنی: «مسیحیان آخرزمان». جسورانه‌ترین

<sup>۱</sup> CI, 205.

<sup>۲</sup> نیز نگاه کنید به «متا» ۲۴،۳۴ و «لوکاس» ۲۱،۳۲.

<sup>۳</sup> So CI, 325; V, i, 456; CXC, 278; CLVII, ii, 457 ff.

تفسیر را، در این زمینه، قدیس یروم ارائه کرد، که گفت: «نسل کنونی» یعنی: «نژاد بشر». اصل مطلب این است که: وقتی معنی لفظی جمله کنار گذاشته شد، هر تفسیری می‌توان کرد. معنی روشن جمله را تنها اندیشه‌ی مفسران به تیرگی کشانده‌اند، و گرنه خود جمله مشکلی ندارد.<sup>۱</sup>

سومین روایت هم مؤید دو روایت قبلی است. این روایت گفته است عیسا هنگامی که رسولان را روانه‌ی سفر تبلیغی در شهرهای اسرائیل [= یهودیه] می‌کرد، به ایشان گفته است:<sup>(۵)</sup>

هر آینه با شما بگویم: تا شما [تمام] شهرهای اسرائیل را زیر پا نهدید، پسر انسان [= عیسا] مصلوب = عیسا ظهور کرده بعد از مرگ آمده است.

می‌توان احتمال داد که اصلاً نه رسولی وجود داشته و نه رسالتی از سوی عیسا به کسی محول شده، و نتیجه گرفت که گفته‌ی فوق از عیسا نیست. اما سنت انجیلی بر این باور بوده که عیسا چنین سخنی به «رسولان» خویش گفته است، و گرنه در انجیل ثبت نمی‌شد، با آن که خود همین «متا» یی که روایت فوق را در انجیل خود ثبت کرده حکایت از آن دارد که رسولان تمام شهرهای یهودیه را زیر پا نهاده و با موفقیت از مأموریت برگشته‌اند اما همچنان از «روز بزرگ» اثری ندیده‌اند.<sup>۲</sup> پس، سنت انجیلی بر این اعتقاد بوده که سخن فوق هم یکی از «پیشگویی‌های عیسا» بوده است.

سه روایتی که نقل کردیم، شواهدی از این واقعیت‌اند که کار تحریف و دستکاری به «جعل روایت» هم کشیده بوده است. این سه روایت، در عین حال، گویای این حقیقت‌اند که مؤلفان هنوز برای جماعتی انجیل‌نویسی می‌کرده‌اند که «در انتظار ظهور» به سر می‌بردند، و به این امید دل بسته بودند که آن «روز قدسی» فرابرسد و «مسیح» «در جلال پدرآش» و «با فرشتگان‌آش» بازگردد («متا» ۱۶، ۲۷).<sup>(۶)</sup> شک کردن در اصالت این سه روایت، یا دست کم در اصالت محتوای آن‌ها، نباید ما را از این استنتاج‌های منطقی غافل کند، چون در این صورت چهارچوب کلی سنت انجیلی را هم نادیده می‌گیریم و ناچار

<sup>۱</sup> CIII, ii, 437; CXIV, 107.

<sup>۲</sup> CCLIII, 142 مدعی است که پیشگویی عیسا «مشروط» بوده است: «گویا» منظور عیسا این بوده است که اگر یهودیان توبه کنند، پیش از آن که رسولان مأموریت تبلیغی خود را در «تمام شهرهای یهودیه» به اتمام برسانند، «روز بزرگ» ظهور می‌کند، و چون یهودیان توبه نکرده‌اند پسر انسان [= عیسا] مصلوب [هم] نیامده است. این یک نمونه از تفسیرهایی است که علمای الاهیات پیش کشیده‌اند.

می‌شویم تنها به این استنباط بسنده کنیم که: معلوم نیست عیسا در باب زمان دقیق ظهور «ملکوت» چیزی گفته است یا نه. شاید آیه‌ی «مارکوس» ۱۳، ۲۲ (= «متا» ۲۴، ۳۶)<sup>(۷)</sup> مؤید این موضع ما باشد [گفته‌ی اول]:

<sup>۲۲</sup> اما از روز یا ساعت آن [= از روز یا ساعت ظهور ملکوت] هیچکس خبر ندارد، حتا فرشتگان آسمان، حتا «پسر»، بل که فقط «پدر» [خبر دارد].

با وجود این، خبر ندادن از روز و ساعت، به معنی خبر ندادن از حدود زمانی «ظهور ملکوت» نیست<sup>۱</sup> و منظور انجیل‌نویس‌ها هم این نبوده است چرا که این گفته را دست کم دو انجیل‌نویس در روایتی آورده‌اند که در آن روایت عیسا گفته است («مارکوس» ۱۳، ۳۰ = «متا» ۲۴، ۳۴)<sup>(۸)</sup> [گفته‌ی دوم]:

<sup>۳۰</sup> هر آینه با شما بگویم، تا این وقایع روی ندهد، نسل کنونی منقرض نشود. آیه‌ی گفته‌ی دوم، هم در «انجیل مارکوس» و هم در «انجیل متا» دو آیه پیش‌تر از گفته‌ی اول آمده است.

به هر حال، در این که عیسا «ظهور ملکوت» را «قریب الوقوع» می‌دانسته شک نمی‌توان کرد. هشدار مکرر او - «توبه کنید» - بهترین دلیل برای این مدعا است. این هشدار بدان معناست که هرچه زودتر - همین حالا - باید توبه کرد، و گرنه یک لحظه بعد ممکن است دیر باشد و دیگر کاری نتوان کرد. این هشدار به کسانی داده می‌شد که هر لحظه ممکن بود «طلوع موعود» را ببینند. پس می‌توان احتمال داد که عیسا برای «زمان کنونی» پایانی قائل بوده است؛ به این معنا که زمان در آینده‌ی نزدیک به آخر می‌رسد. دو آیه در انجیل‌ها مؤید نظر ما است. در «لوکاس» ۱۹، ۱۱ آمده است که پیروان عیسا در راه عزیمت به اورشلیم در این اندیشه بوده‌اند که «ملکوت» «در همان زمان» (παραχρημα) ظهور می‌کند،<sup>(۹)</sup> طوری که وقتی بازداشت و اعدام «مرشد» خود را می‌بینند سخت مأیوس و سرخورده می‌شوند («لوکاس»<sup>(۱۰)</sup> ۲۴، ۱۷: ἐστάθησαν σκυθρωποί). از این قرار، باید گفت عیسا، نه برای روبه‌رو شدن با مرگ، که برای استقبال از آن «واقعه‌ی آسمانی موعود» به اورشلیم رفته است.

روایت دیگر در «مارکوس» ۱۴، ۲۵ (= «متا» ۲۶، ۲۰)<sup>(۱۱)</sup> آمده است. در این روایت، گویا عیسا سر «شام آخر» به حواریان‌آش گفته است:

<sup>۱</sup> CCLIII, 175.